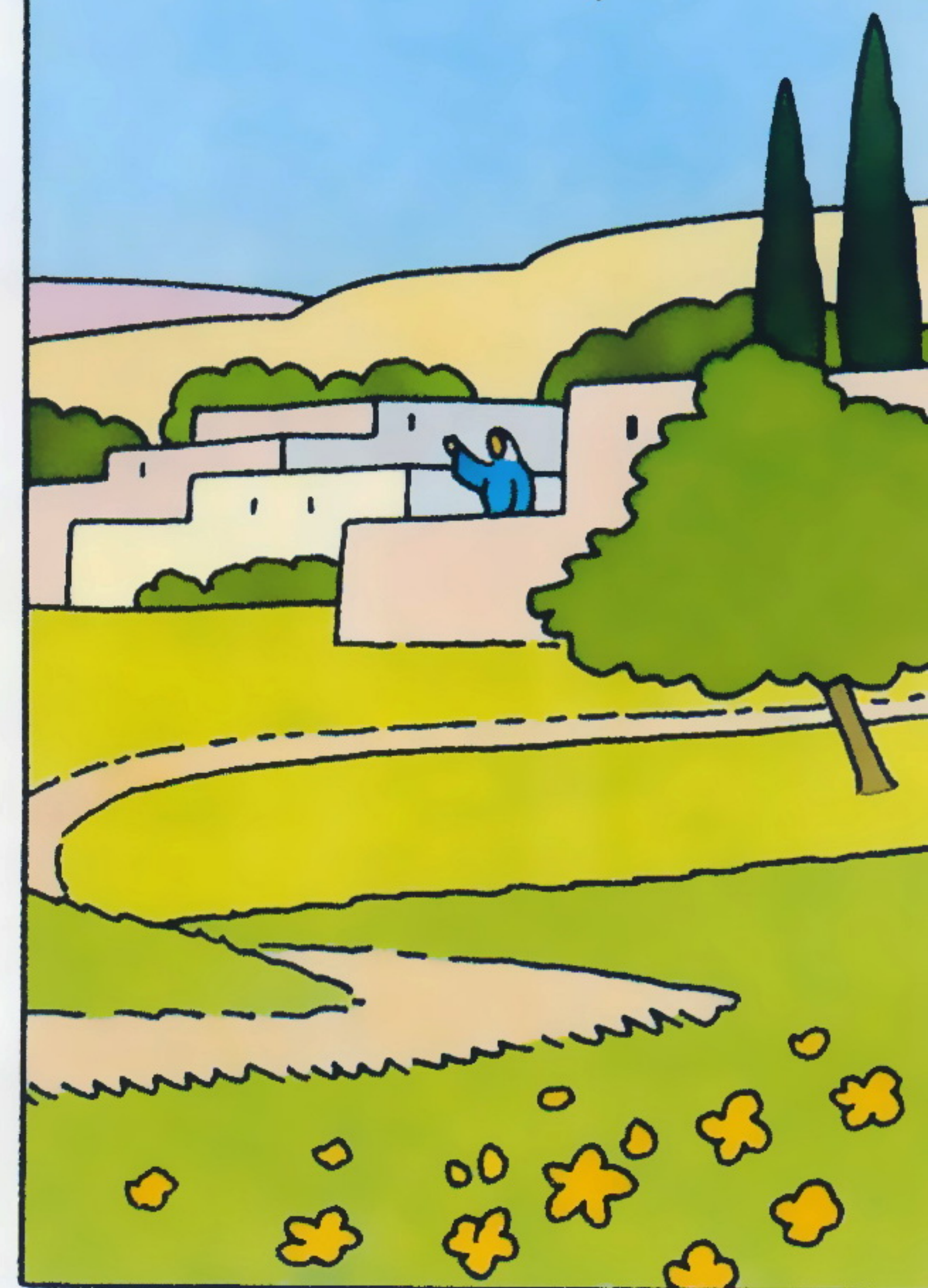


((دیدار))

(لوقا: ۱: ۳۹-۵۶)



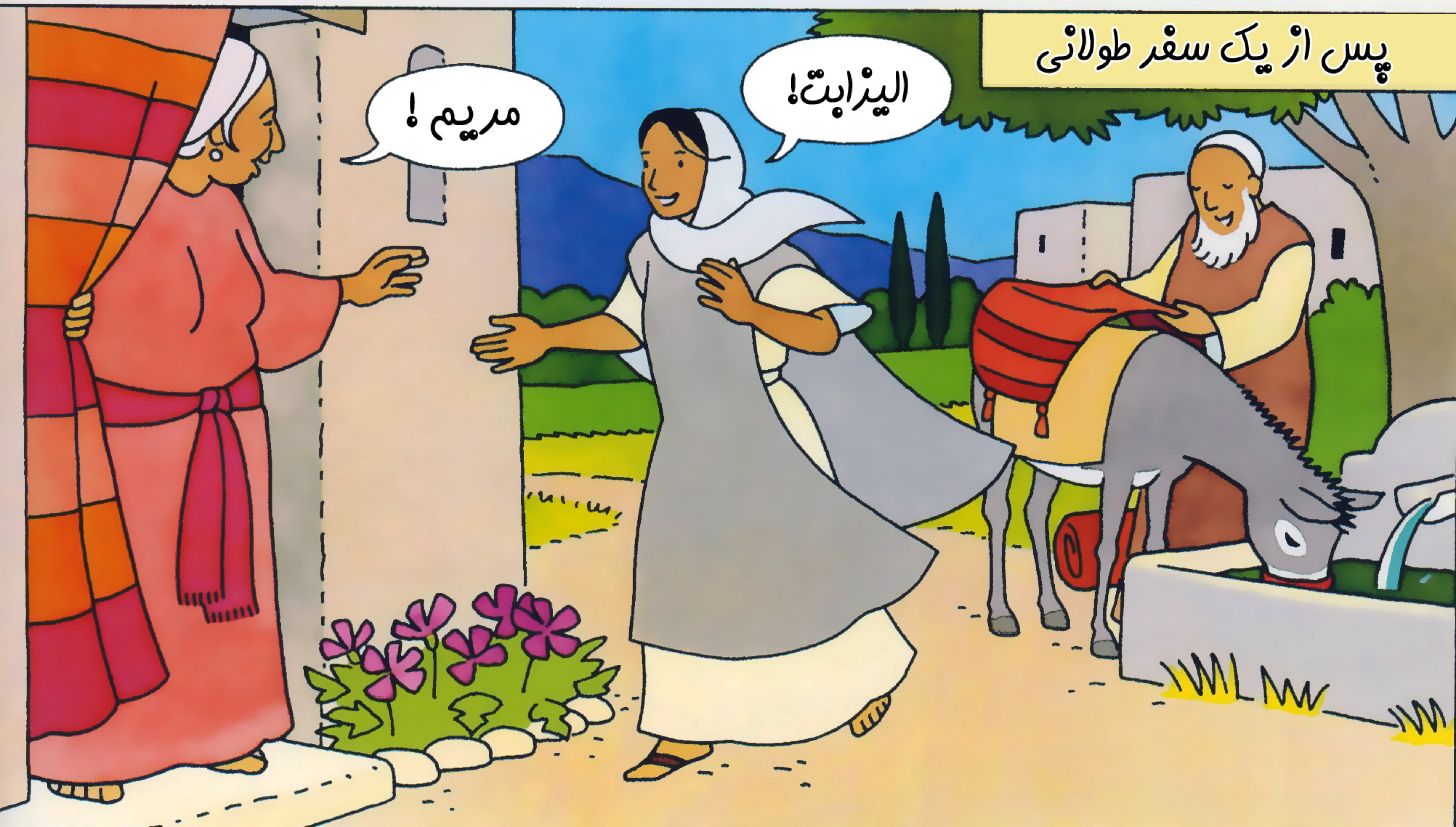
هنگامی که فرشته به مریم بشارت داد که او مادر عیسی خواهد بود، به او گفت که دختر خاله اش الیزابت هم منتظر یک فرزند است.



بنابراین مریم تصمیم می گیرد که به دیدن الیزابت برود.



پس از یک سفر طولانی



الیزابت!

مریم!

تو به راستی مادر خداوند هستی! هنگامی
که به من سلام کردی، فرزندم از شادی
در شکمم به حرکت در آمد...



تو در میان همه زنان مبارک
هستی، و فرزندتی که در
شکم داری مبارک است!



مریم سه ماه نژد الیزابت
می ماند و سپس به ناصره
باز می گردد تا میلاد عیسی را
آماده کند.



پس مریم سرشار از شادی می گوید:

خداوند باشکوه است! او پر من،
خادم فروتن خود نظر کرده است. از
این پس همه نسل ها مرا
خوشبخت خواهند خواند!

